**نقد هنری: (جلسه هشتم ):**

**در این جلسه به خلاصه­ایی از مبحث نقد می­پردازم.**

همانگونه که در فایل جلسه اول گفته شد از دوران مدرن نقد هنری از اهمیت بسیار برخوردار شد تا پیش از دوران مدرن نقد اصولی و درست از هنرمندان صورت نگرفته بود جز نوشته های ادبی یا سرگذشت هنرمندنقد اصولی نبود اما از دوران مدرن توجه نظری به هنر، تاریخ هنر و نقد هنری بسیار با اهمیت شد. همچنان در دوره پست مدرن و دوران معاصر نقد هنری جزو لاینکف هنر گشت به خصوص دوران پست مدرنیسم که مباحث نظری هنر با اهمیت بود و اغلب هنرمندان خود اساتید دانشگاه و نظریه پرداز بودند مسایله مهم در دوران پست مدرنیسم یعنی از اواخر 1970 میلادی به بعد مسایل بیرون اثر هنری ارزش یافت یعنی مسایلی که باعث خلق ان هنر شدند حال می­توانستند مسایل روانشناسی یا جامعه شناسی یا فمنیستی و... باشند و دیگر تنها به نقش درون و ساختار و فرم اثر هنری بسنده نکردند و بیشتر به بیرون اثر هنری پرداخته شد از منتقدان بنام دوره مدرنیسم کلمنت گرینبرگ، رزنبرگ و کلایو بل در نیویورک در سال­های 1930 تا 1960 میلادی که نقش عمده­ایی در شکلگیری و رشد هنر اکسپرسیونیسم انتزاعی داشتند را نام برد همچنین راجر فرای که یک منتقد فرمالیستی است وبسیار تحت تاثیر اموزه­های فیلسوفی چون امانو ئل­ کانت است که در ابتدا خودش نقاش بود اما در زمینه نقد هنری مشهور است.

حال نقد هنری چیست؟ نقد هنری به طرق­های مختلفی بوده و اثار هنری را مورد بررسی و تحلیل قرار می­دهند.گرایش­های مختلف نقد که از طریق شکل و صورت درونی خود اثر هنری است یا ارجاعاتی که بر اساس ساختمان کلی اثر و فرم بیان است نقد فرمالیستی می­گویند و دلالت­های معنایی و محتوایی و یا هر انچه بیرون خود اثر است که باعث بوجود امدن اثر هنری شده است را نقد محتوایی یا هرمونوتیک می­گویند پس اگر نقد هنری بر اساس شکل عینی اثر و ساختمان عینی و فرم اثر باشد خارج اززمان و مکان خاص است و هدف ان زیباشناسی فرم اثر هنری است این نقد نثدی فرمالیستی است برای مثال شما یک تابلو از رامبراند را نقد فرمالیستی می­کنید شما به بررسی فرم، رنگ، خط، ترکیب بندی و هر انچه درون اثر رامبراند میبینید می­پردازیدشما به زیباشناسی فرم­ها توجه می­کنید و از ان می­نویسید و دیگر به فکر زمان و مکانی که رامبراند اثرش را خلق کرده است نیستید . حال اگر به بیرون اثر توجه کنید به اینکه چرا رامبراند ان اثر را افریده چه عواملی باعث شده­اند کدام دوره از زندگی هنرمند بوده از لحاظ روانی چگونه بوده اینبار ما به نقد هرمونوتیکی پرداخته ایم.

**هرمونوتیک:**

واژه هرمونوتیک دارای معادل­هایی چون تاویل، تفسیر وتعبیر است. از قابلیت­های ذهنی انسان است که مقابل پدیده­ها در ذهن خود معنی­سازی می­کند یا در پی کشف معنی پدیده­هاست. اما برای تفسیر ابتدا یک روش لازم است انچه مسلم است خود اثر هنری یا متن مفسر را به سوی روش برای تفسیر سوق می­دهد. تمام پدیده­ها چه انها که دست ساخته انسان و جه طبیعی مورد بحث هرمونتیک می­توانند باشند. ابتدا هرمونتیک همان تفسیر از کتاب مقدس بود. هرمونوتیک از واژه فعل هرمونیون در یونان باستان به معنی تاویل است و اسم هرمونیون باز به معنی تاویل است از ریشه هرمس که خدای یونان باستان بوده است هرمس در یونان باستان خالق خط و زبان بوده هرمنیون اشکار شدن پیام است و اینکه همه پدیده­ها دارای دلالت­های معنایی هستند و بنابراین لزوما باید پدیده­ها را تاویل و تفسیر کرد. هرمونوتیک را ارسطو در کتابش بنام ارغنون به­کار برده است اما لفظ هرمونتیک به شیوه امروز از قرن 17 باب شد و برای شناخت گونه­ایی از دانش به کار رفت.

**روش­های تاویل متن:**

1. از طریق فهم و درک نیت مالف (هنرمند) تفسیر صورت می­گیرد. 2- از طریق ساختار و ماهیت خود متن با اثر هنری 3- یا تفسیر بر اساس قصد و نیت مفسر صورت می­گیرد که در این صورت مفسر در پی شواهدی است که بتواند با نیت و قصد خودش هماهنگ سازد و تطبیق دهد و برای این تطبیق توجیهاتی داشته باشددر واقع تاویل کشف معنی نهفته در عمق اثر هنری است. در واقع علم هرمونتیک تعامل مفسر و اثر هنری برای کشف معنا در ان اثر است. و مساله اصلی هرمونتیک روش دستیابی به نیت مالف همان نیت هنرمند از متن یا همان اثر هنری است.

رابطه فرم و محتوا پایه اصلی تمام نقد­ها و گرایش­هایی چون نقد عینی و فرمالیستی و نقد موضوعی چون نقدروانشناسی، نقد زندگینامه­ایی، نقد جامعه شناسی، نقد فمنیستی، نقد مارکسیستی، نقد پدیدارشناسی و... حال این نقد موضوعی با تمام زیر مجموعه­هایش نقد هرمونتیک است. در زیر به نمونه­هایی از نوشتن نقد بر روی اثر نقاشی اشاره می­شود.

به زبان ساده­تر شما از طریق نشانی­های در تصویر و نمادها به دنبال علت­ها می­گردید و تابلو را تفسیر می­کنید و این دقیقا خارج از ان چیزی است که در اثر هنری دیده می­شود شما می­توانید یک تابلو را از لحاظ روانشناسی از لحاظ اجتماعی از جنبه فمنیستی و یا پدیدارشناسانه بررسی کنید جتی شما می­توانید نقد زندگی­نامه­ایی انجام دهید که تمام این نقدها زیر مجموعه نقد هرمونوتیک قرار دارند در واقع علایم یک اثر به شما خود را معرفی می­کند و کدهایی برای تفسیر کردن به شما می­دهد هر چقدر بیشتر کندوکاو کنید به نتایج بیشتری خواهید رسید برای نمونه من یک کتاب به نام بودلر ( شارل بودلر : ادیب و شاعر و منتقد هنری قرن نوزده فرانسه سبک سمبولیسم است که از پایه­گذاران مدرنیسم محسوب می­شود ). از ژان پل سارتر (نویسنده و فیلسوف فرانسوی مکتب اگزیستانسیالیسم فرن بیستم است که برای کتاب تهوع موفق به جایزه نوبل شد اما از پذیرفتن ان صرف نظر کرد). او هرگز در دوره بودار نزیسته اما انقدر این کتاب را زیبا نوشته است که گویی با او رابطه ی بسیار نزدیک داشته است در واقع سارتر از طریق نوشته­های بودلر و اثارش توانسته شخص خود بودلر را تفسیر کند می­بینیم که نقد در همه هنرها وجود دارد و پایه و اساس همسانی دارد. در ادامه یک قسمتی از نقدهرمونوتیک یک عکس را برایتان می­نویسم که به جذابیت نقد هرمونتیک اشنا شوید و پی ببرید.



الیزابت و من، 1931، آندره کرتس، پاریس

در عکس چه می­بینیم؟ زنی به نام الیزابت و دست یک مرد آیا این همه ان چیزی است که در عکس دیده می­شود؟ اگر چنین است پس در عکس هیچ نمی­بینیم تقریبا هیچ. ایا انکه سهم بیشتری در عکس دارد الیزابت است الیزابت نیم شده الیزلبت جنس دوم؟مهربان و شکیبا و مطیع در معیت همسرش است و مرد بزرگوارانه پا پس کشیده تا میدان را خالی کندبرای او. اما مگر نه اینکه تمام مالکیت حسی عکس مربوط به ان دست است؟ دست همچون زاییده­ایی بر زیبایی عقیم شده الیزلبت چسبیده است. در نگاهی به نظر می­رسد دست خود اوست اما این انگشتان از ان مردی است که ناشیانه سعی داردوانمود کند کنار همسرش است نه صاحب او.

بیرون از چهارچوب عکس چه می­گذرد؟ نیمه دیگر الیزابت چگونه است؟ تصور ان چندان دشوار نیست اما مرد چه؟ او چگ.نه مردی است؟ اگر فراموش کنیم که او خود عکاس انره کرتس است مردی مهربان و انساندوست که عاشق همسرش است. در ان صورت می­توان سیمای مردی مستبد را دید.

ایا مرد الیزابت را به اسارت نگه داشته است یا با محبت؟ ایا اصلا نگه­داشتن با محبت همخوانی دارد؟ما از وضعیت زنان کتک­خورده و حتی کتک نخورده اما در اسارت زندگی مشترکشان با همسری مستبد و خشن با خبریم . و می­دانیم که زنان به خاطر حفظ زندگی فرزندان و ابرو و مسایلی از این دست مطیع و درمانده­اند و چگونه به زندگی ظاهرا ارام خود تن می­دهند و هیچ راه نجاتی نمی­شناسند.

الیزابت چرا اینگونه به ما خیره شده است ایا دست نجات می­طلبد برای نجاتش از اسارت. مرد با اینکه غایب است لپاما نماینده یمقتدرش زن را به تملک دراورده عکاس پرسوظن در دو نقش ظاهر شده است پشت و جلو دوربین تا هم اداره و حراست کند از مایملک . محصول خودو هم در مقابم یک مرد چند منظوره دست به افرینش بزند با موضوع الیزابت. مرد در کنار دیگر تملک­ها صاحب همسرش نیز هست اما از دارایی الیزابت چه تصوری می­شود کرد؟ او مالک خودش هم نیست. نیمه­ایی است بی هویت با نگاهی به تظاهر به قدرشناسی و خوشبختی ، بی­هیچ حقی.

در نقد بالا ملاحظه کردید که من از طرح سوال استفاده کردم در واقع این سوالات به شما کمک می­کند تا در نقد پیش بروید دقت کنید اگر در این عکس دست ان کرد یا عکاس دیده نمی­شد تفسیر کاملا به گونه­ی دیگر ادامه می­یافت یا اگر صورت زن تمام رخش دیده می­شود تفسیر به گونه­ی دیگر میشد در واقع عمان عناصر درون اثر شما را سوق می­دهند به نوشتن اثر هر چند که ممکن است در حقیقت بدین گونه نباشد اما در این عکس عکاس قصد گرفتن عکسی فمنیستی را داشته است و به همین دلیل بر روی صورت زن برش خورده است.

موفق باشید.